

هو الله - ای کنیز عزیز الهی، نامه شما رسید از گلشن...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (44) - من آثار حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبدالبهاء، جلد
3، صفحه 172

(44)

هو الله

ای کنیز عزیز الهی نامه شما رسید از گلشن معانی رائحه معطری استشمام گردید در پاریس باید چنان تنزیه و تقدیس ظاهر نمود که نفوس را از آلائش هوی و هوس بکلی پاک و مطهر کرد زیرا در آن مدینه نفوس در نهایت غفلت و منہمک در شهوات نفس اگر قوه ملکوتیه ظاهر گردد البته نفوذ عظیم کند و آن نفوس را بنفثات روح القدس زنده نماید البته بجان بکشید که نفوس میتہ را زنده نمائید و کوران را بینا کنید و کران را شنوا نمائید مرقوم نموده بودی که افکار فیلسوفی را چگونه تطبیق بافکار دیناتی نمائیم بدانکه ناسوت آئینه ملکوتست و هر یک با یکدیگر تطبیق تام دارد آراء صائبه ناسوتیه که از نتایج افکار فلسفه حقیقیه است مطابق آثار ملکوتیه است و بهیچوجه من الوجوه اختلافی در میان نیست زیرا حقیقت اشیا در خزائن ملکوتست چون جلوه بعالم ناسوت نماید اعیان و حقایق کائنات تحقق یابد اگر چنانچه آراء فلسفیه مطابق آثار ملکوتیه نباشد یقین است که عین خطاست زیرا بعد از قرون و اعصار بتدقیق و تحقیق فلاسفه واضح و مشهود شد که بیان صریح ملکوتی صحیح و آراء فلسفه سقیم بوده چنانکه وقتی که قرآن نازل شد بعضی از آیات قرآنیہ مخالف آراء فلسفیه



ORIGINAL

بود مثل حرکت ارض و سائر کواکب بتمامها و حرکت محوریه شمس که صریح قرآنست فلاسفه آنزمان این بیانرا مخالف آراء فلسفیه دانستند زیرا در آن زمان قواعد بطلمیوسیه در علوم ریاضیه مسلم جمیع آفاق بود و نص صریح قرآن مخالف آن بعد از قرون و اعصار که فلاسفه ریاضیون تحقیق و تدقیق نمودند و آلات رصدیه ایجاد کردند و بواسطه آن آلات اکتشاف حالات و حرکات سیارات نمودند واضح و مشهود شد که صریح قرآن حقیقت واقع است و آراء فلسفیه آنزمان جمیع باطل زیرا اساس قواعد بطلمیوسیه در علوم ریاضیه سکون ارض است و حرکت شمس و قرآن تصریح بحرکت ارض مینماید و شمس را حرکت محوریه بیان مینماید اگر چنانچه از لسان عربی بهره‌ئی داشتی آیات قرآنیه را مینوشتم و لکن چون لسان عربی ندانی لهذا مضمون آیات را بیان کردم و اما سیارات متعدده و مسافات ما بین آنان که الیوم ریاضیین اروپا آنرا تأویل بعالمی که نفس در او زنده است مینمایند این تصور صرف است نه تحقق زیرا جمیع سیارات نامتناهییه عوالم جسمانیه‌اند و عالمیکه روح در آن باقی آن جهان روحانیست و عالم ملکوتست که باقی و ابدیست زیرا جمیع اجسام نورانیه که در این اوج نامتناهی موجود کل مرکب از عناصر است و هر ترکیبی را تحلیلی در عقب است لهذا از ابدیت محروم و لکن حیز ملکوت چون مجرد و مقدس از ترکیب است لهذا باقی و برقرار و اما قضیه حادثه موت بدانکه روح انسانی مقدس و مجرد است و منزله از دخول و خروج زیرا دخول و خروج و حلول و صعود و نزول و امتزاج از خصائص اجسام است نه ارواح لهذا روح انسانی دخول در قالب جسمانی نماید بلکه تعلق باین جسد دارد و موت عبارت از انقطاع آن تعلق است مثلش آئینه و آفتابست آفتاب در آئینه دخول و خروجی ندارد و حلولی نماید ولی تعلق باین آئینه دارد و در او جلوه نماید چون تعلق منقطع گردد آئینه از روشنی و لطافت و جلوه باز ماند لهذا تعبیر خروج روح از جسد تعبیر مجازیست نه حقیقی و این تعلق شاید بتدریج منقطع گردد و شاید فوری باشد و اما کولور کریانس مکتوبی باو مرقوم شد در جوف است برسانید و از خدا امیدوارم که سبب شوی که در شهر پاریس نور تقدیس جلوه نماید و علیک البهاء الابهی (ع ع)